



۲۰ هزار نیروی تازه نفس در لباس خدمت

دستور تاسیس پایگاه امداد و نجات، سوغات رئیس جمعیت هلال احمر برای مردم «اندیکا»

شهرند | بازدید از مناطق زلزله زده اندیکا، بازدید از مراکز جراحی محدود و هتل هلال آبادان، بازدید از منطقه جنگی شلمچه و ... تنها بخشی از بهانه های سفر یک روزه رئیس جمعیت هلال احمر به خوزستان است. دکتر کولیوند در این سفر پای صحبت های امدادگران، مسئولان استانی و شهرستانی و مردم متأثر از زلزله اندیکا نشست. بازدید از مرکز غربالگری مرزی با تاکید دکتر کولیوند بر تشدید غربالگری ها همراه بود. این سفر کوتاه دستاوردهایی از جمله دستور برای تاسیس پایگاه امداد و نجات شهرستان اندیکاراهم به همراه داشت.

تحلیف در شلمچه

دکتر کولیوند در آیین افتتاح اردوهای راهیان نور حضور داشت و ضمن تحلیف اعضای جوان جمعیت هلال احمر در حسینیه یادمان شهدای گمنام شلمچه، از شهید «قربانعلی عادل نژاد» یاد کرد؛ امدادگر ۱۷ ساله ای که ۳۹ سال پیش در عملیات رمضان به شهادت رسید و مفقود الاثر شد و پیکرش در تفحص های دی ماه امسال پیدا و به شهرش بازگردانده شد.

کولیوند با اشاره به مراسم تحلیف اعضای جوانان گفت: «امروز ۲۰ هزار نفر از اعضای

سازمان جوانان به سازمان داوطلبان و سازمان امداد و نجات منتقل می شوند تا بتوانند از راه خدمات بشردوستانه را در سنگر جدید ادامه دهند. شما به عنوان جوانان انقلابی، همانطور که در امداد و نجات به جامعه کمک می کنید باید در زمینه کاهش آسیب های اجتماعی هم کمک کنید.»

در مراسم تحلیف اعضای داوطلب جوان به حوزه امداد و نجات و داوطلبان، ۶۹۷۰ نفر راهی سازمان امداد و نجات و ۱۷ هزار و ۴۶۳ نفر نیز راهی سازمان داوطلبان شدند و سوگند یاد کردند.

صدور مجوز پایگاه امداد و نجات
سفر کوتاه رئیس جمعیت هلال احمر به خوزستان با سر زدن به مناطق زلزله زده اندیکا و شهرستان قلعه خواجه ادامه پیدا کرد. اهالی روستایی متأثر از زلزله از مشکلات خود گفتند و کولیوند از تلاش برای گسترش سطح کمک های حمایتی با بهره گیری از ظرفیت خیرین خبر داد. رئیس جمعیت هلال احمر در بازدید از مناطق متأثر از زلزله اندیکا در جمع برخی از اهالی روستاهای درگیر، از نزدیک در جریان روند امداد رسانی و کمک های حمایتی جمعیت هلال احمر قرار گرفت و گفت: «به لطف خدا خدمت رسانی خوبی انجام شده و مردم ابراز رضایتمندی دارند، اما درخواست های بحق نیز هست که در بخش های مربوط به این جمعیت پیگیری و تلاش می شود با دعوت از خیرین در ایجاد زیرساخت های درمانی و آموزشی کمک موثری کنیم.»

کمک به توسعه زیرساخت های مورد نیاز شهرستان اندیکا و به خصوص روستاهای محروم این منطقه به کمک خیران، قوی بود که دکتر کولیوند در این گپ و گفت ها به آن اشاره کرد. صدور مجوز برای ساخت پایگاه امداد و نجات اندیکا یکی از این اقدامات است. با اعلام موافقت صدور مجوز راه اندازی پایگاه امداد و نجات در اندیکا نقش خانه های هلال روستایی در این شهرستان نیز مورد توجه قرار گرفت و کولیوند توضیح داد: «امیدواریم با ایجاد خانه های هلال متعدد در روستاهای محروم این شهرستان حضور هلال احمر را پررنگ تر کنیم تا خدمات گسترده تر و بهتری به مردم ارایه شود. در خانه های هلال هدف ما کمک به مردم و البته افزایش تاب آوری جوامع محلی هنگام سانحه است.»

کاهش آسیب های اجتماعی در محلات کم برخوردار

«پس از بازگشت به تهران اولین اقدام من جذب خیرین برای زلزله زدگان شهرستان اندیکا خواهد بود. این مردم بسیار مظلوم و کم توقع هستند.» دکتر کولیوند دیدار با استاندار خوزستان را با این جملات آغاز کرد و گفت: «در اندیکا شرایط مردم به گونه ای است که نیاز به ساخت مسجد

و درمانگاه داشتند. مردم قدر دان مدیران انقلاب و مسئولان بودند، در اولین فرصت یک تیم تخصصی برای بهبود شرایط منطقه به آنجا اعزام خواهیم کرد.»

او به بیانیه گام دوم انقلاب اشاره کرد که جمعیت بر اساس آن، جذب حداکثری جوانان را در دستور کار خود قرار داده است. تاکید بر نقش خانه های هلال برای کاهش آسیب های اجتماعی و همچنین افزایش تاب آوری اجتماعی، بخش دیگری از صحبت های رئیس جمعیت با استاندار خوزستان بود. کولیوند در این دیدار گفت: «در خصوص کاهش آسیب های اجتماعی اقدامات مناسبی با همکاری بهزیستی و سایر نهاد های محرومیت زدا انجام شده و طرح تحول مناطق آسیب پذیر در قالب ۲۰۲۰ محله در دستور کار است که محوریت آن با خانه های هلال خواهد بود.»

دکتر کولیوند با تاکید بر بزرگداشت خدمات جمعیت هلال احمر در دفاع مقدس تصریح کرد: «تمام خدمات جمعیت هلال احمر در دفاع مقدس اعم از امداد رسانی در جنگ، شناسایی و تفحص و همچنین رایزنی برای بازگشت آزادگان به کشور باید حفظ شود تا چراغ راهی برای آیندگان باشد.»

استاندار خوزستان نیز در این دیدار گفت: «جمعیت هلال احمر در هر حادثه ای که رخ می دهد اولین نهادی است که در صحنه حاضر می شود و در زلزله اندیکا هم همین اتفاق افتاد.» «خلیلیان» در خصوص استفاده از ظرفیت خیرین تصریح کرد: «خیرین و مردم دارای ظرفیت های زیادی هستند که باید از آنها استفاده شود. همان گونه که مقام معظم رهبری تاکید کردند که بسیاری از امور باید به مردم سپرده شود و خرسندم که جمعیت هلال احمر با پشتوانه مردم نیکوکار ایران در خط مقدم امداد رسانی و کمک به محرومان حاضر می شود.» او از آمادگی استاندار خوزستان برای تقویت فعالیت های داوطلبانه، امدادی و آموزشی در خوزستان سخن گفت و یادآوری کرد: «استان خوزستان ظرفیت های زیادی اعم از نفت، گاز و کشاورزی دارد. موقعیت این استان به گونه ای است که پر از ثروت است، اما متأسفانه با محرومیت های وسیعی مواجه است که نباید باشد.»

گزارش

فاطمه عسگری نیا از وقتی که چشم باز کرده است، دور و برش پر از آدم هایی بوده که برای سلامتی انسان ها و نجات جان آنها مشغول بوده اند؛ از خواهر و برادرهای پرستار و فعال در حوزه بهداشت و درمان گرفته تا پدرش که الگوی بزرگ او در نوع دوستی و کمک رسانی به دیگران است؛ پدری که هم سابقه فعالیت در شیر و خورشید سابق را دارد، هم با ساخت مراکز درمانی اعم از بیمارستان امدادی سبزو، شهید بهشتی، بیمارستان حشمتیه، بیمارستان امدادی کوچان، ساختمان جمعیت هلال احمر سبزو و بخش سوانح و سوختگی بیمارستان امام رضا مشهد درس فعالیت های داوطلبانه را به تک تک فرزندانش آموخته است.

صحبت از «حمید معماری» است، نجاتگر ۴۵ ساله ای که از ۱۹ سالگی فعالیت های داوطلبانه خود را با جمعیت هلال احمر شروع کرده اما به صورت مستمر ۱۰ سال می شود در مأموریت های امداد و نجات جمعیت هلال احمر حضور دارد. خودش می گوید سر سفره یک داوطلب بزرگ شده و به همین علت عشق به فعالیت در این حوزه دارد. گرچه فعالیت های داوطلبانه و امدادی اش را در سبزو آغاز کرد اما امروز عضو تیم و اکنش سریع سازمان امداد و نجات تهران است و در عملیات های زیادی به نجات جان انسان ها پرداخته است.

۵ سال پیش بود که مرکز فرماندهی عملیات اضطراری خراسان رضوی تماس های زیادی در خصوص گرفتاری خودروهای عبوری در «دره گز» داشت. هوا به شدت سرد بود. برف و کولاک زیادی جاده های مواصلاتی را در بر گرفته بود. امدادگران با آماده سازی بسته های امدادی اعم از غذا، پتو، نان و ... راهی منطقه شدند. برف و بوران شدید دید در منطقه را کاهش داده بود و مسافران در راه مانده نه غذایی برای خوردن داشتند، نه سوختی تا در خودروها گرم شوند. امدادگران از راه رسیدند و شروع کردند به توزیع اقلام خوراکی: «محور دره گز یکی از محورهای مواصلاتی ترانزیتی منطقه ماست که علاوه بر خودروهای شخصی و کوچک روزانه تعداد قابل توجهی هم خودروهای ترانزیتی و سنگین کشورهای همسایه از آن عبور می کنند. وقتی

«حمید معماری» ما را با خاطر اتش به دل حادثه می برد

عملیات زیر آب

راه افتادیم. با کمک همراهان این فرد و ارسال نقطه GPS در محل حادثه حاضر شدیم. مصدوم در نقطه ای بود که پرواز بالگرد خطرناک و امکان برخورد سنگ ها به پره های بالگرد وجود داشت، موضوعی که با تبحر و تسلط خلبان رفع شد. وقتی با وینچ پایین رفتیم، متوجه شدیم متأسفانه مجروح مردی ۴۳ ساله ای است که از ارتفاع سقوط کرده و از ناحیه مچ پا، سروصورت به شدت مصدوم شده است. وزن مصدوم زیاد بود و روی بسکت هلال جانمی شد. چاره ای نبود باید تثبیت گردن را انجام می دادیم و بعد در آغوش خودم گرفته و با کمک وینچ سوار بالگرد می شدم. سرعت عمل در این مأموریت حرف اصلی را می زد. ۱۰ دقیقه تأخیر مادر انتقال مصدوم باعث می شد که نتوانیم از امداد هوایی برای انتقال مصدوم استفاده کنیم.»

خاطرات قشم و غریق های نجات یافته

معماری، علاوه بر عملیات های نجات، مربی دوره های آموزشی غواصی و نجات غریق هم هست. او حتی در حین برگزاری این دوره های آموزشی هم از نجات جان انسان ها غافل نمی شود: «یکی از دوره های آموزش غواصی مادر قشم در حال برگزاری بود. ساعت ۸ صبح به مدرسه غواصی خبر رسید که یک نفر وسط دریا در حال غرق شدن است و نیاز به کمک دارد. بلافاصله کلاس را تعطیل کردیم و راهی محل حادثه شدیم. غریق فاصله زیادی را از دریا دور شده بود، برای اینکه زود خود را به او برسانیم، سوار جت اسکی شدیم و به سمت او حرکت کردیم، به محض نزدیک شدن در آب شیرجه زدیم و غریق را در آغوش گرفته و بعد از انتقال به جت اسکی به سمت ساحل برگشتیم. آب زیادی خورده بود و در ساحل کمک های اولیه را روی او انجام دادیم و خوشبختانه خیلی سریع به شرایط عادی برگشت. البته این تنها اتفاقی نبود که در این سفر رخ داد. در یکی از روزها که کنار ساحل نشسته بودم و مشغول دیدن دریا بودم، صدای فریادهای فردی در فاصله ۲۰۰ متری را شنیدم.



امدادگران شروع به توزیع اقلام خوراکی کردند، راننده های غیرایرانی در ابتدا اگمان کردند باید در ازای این هدایا مبلغی را پرداخت کنند اما وقتی دیدند هدیه است، بارها و بارها با لایک نشان دادن به امدادگران از آنها تقدیر کردند. در بین خودروهایی که در این منطقه گرفتار برف و کولاک شده بودند، یک خودرو حامل ۴ عضو یک خانواده هم بودند. بچه ها به شدت از وضع موجود ترسیده بودند. سوخت خودرو تمام شده بود و داخل خودرو به شدت سرد بود. امدادگران کمک کردند تا خودرو سوختگیری کند و بعد با توزیع تن ماهی و نان و پتو بین آنها شرایط بهتری را برای این خانواده ها فراهم کردیم. بچه ها از خوشحالی فریاد می زدند و این برق امید در چشم های آنها هیچ وقت از جلوی چشمان من دور نمی شود.»

رهایی از مرگ در آغوش امدادگران

حمید معماری، یک نجاتگر کوهنورد و ماهر هم هست. به علت همین بخش زیادی از مأموریت هایی که در آن حضور پیدا می کند، نجات مصدومان کوهستان است: «در یکی از مأموریت ها خبر رسید فردی در علم کوه دچار سانحه شده است. اطلاعات زیادی از وضع مصدوم نداشتیم. زمان اعلام حادثه طوری بود که به ساعات ممنوعیت پرواز بالگرد های امدادی نزدیک می شدیم. با توجه به این محدودیت سریعاً

کمی که به دریا دقت کردم، دست و پا زدن فردی را در آب برای نجات از غرق شدن دیدم. سریعاً به داخل آب پریدم و شناکنان به سمت غریق رفتم و او را به ساحل برگرداندم. خوشبختانه غریق هوشیار و فعال بود و سریع توانستیم با کمک خودش از منطقه خطرناک غرق شدگی به عقب برگردیم.»

برای او فرق نمی کند در کنار دریا جان غرقی را نجات دهد یا در استخر؛ چون به گفته خودش هر کدام خطرات و حوادث خاص خود را دارند: «یکی از اتفاقات تلخی که امداد رسانی کردم، کمک به جوانی بود که به خاطر یک پشتک باروی ساده در استخر دچار ضایعه نخاعی شد. این جوان که تا چند لحظه پیش از حادثه جلوی چشمان من در حال شنا بود، به یکباره به خاطر یک پشتک زدن دچار حادثه شد. چشمم به داخل استخر بود و طبق معمول با چشم سرشماری می کردم. متوجه شدم این جوان نیست، کمی کنجکاوی کردم، متوجه شدم به علت ضایعه نخاعی ای که دچار شده کف استخر مانده. سریع او را از استخر خارج کردم و بعد از فیکس کردن سر و گردنش او را به مرکز درمانی منتقل کردم.»

یک ماه کنار سیل زدگان گلستان

معماری در جریان سیلاب استان گلستان یک ماهی را در این منطقه سپری می کند و تلاش می کند با کمک دوستانش کمی از بار این مشکلات بکاهد: «سیلاب استان گلستان یکی از حادثه های تلخ بود. در این حادثه ما به عنوان تیم ارزیاب در منطقه حاضر شدیم و مأموریت نجاتگرایان ای نداشتیم اما دیدن وضع زندگی مردم و یأس و ناامیدی آنها کار بسیاری سختی بود. آدم هایی که تا قبل از سیلاب خانه و زندگی و دام و ... داشتند، با این سیلاب خانه خراب شده بودند. همه امیدشان را از دست داده بودند و هیچ کمکی آنها را خوشحال نمی کرد. حضور ما از گلستان آغاز شد، بعد به آق قلا رفتیم و از آنجا به گمیشان و منطقه ترکمن صحرا. مردم عشایر نشین ترکمن در دورافتاده ترین نقاط استان گلستان انتظار امداد رسانی و حضور امدادگران را داشتند اما وقتی ما را دیدند و اقلام غذایی و هدایای هلال را دریافت کردند، کمی آرام گرفتند.»